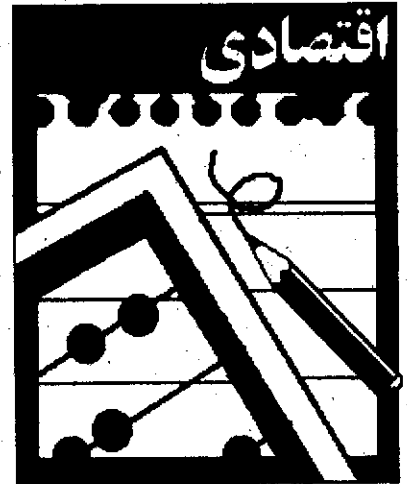


# تورم، کاهش ارزش پول و احکام ربا



از دکتر اکبر کر باسیان

مقدمه:

تورم سالهای اخیر در ایران، علاوه بر گذاشتن اثرات ناگوار گوناگون بر اقتصاد کشور، ارزشهای اجتماعی، وضع کار، درآمد و معیشت مردم، بسیاری از مضامین فقهی را نیز تحت تأثیر قرار داده است. از آن جمله تأثیرگذاری بر مصداق یافتن ربا در قرض و در معاملات است، که حکم شرعی آن مربوط می شود به صدر اسلام، یعنی زمانی که (۱) عمده پول رایج مسلمانان از نقره و طلا بود، که به مردم تعلق داشت و به دلخواه حکومت قابل افزایش نبود. (۲) بانک تجاری نیز وجود نداشت و پول کاغذی رایج نشده بود و (۳) از سالی به سال دیگر نیز سطح قیمتها نسبتاً ثابت می ماند و اصولاً تورم پدیده ای ناشناخته و بی اهمیت بود. ولی در ایران کنونی: (۱) پول مردم از کاغذ است و دولت حتی انحصاری بر ایجاد، نشر و استفاده از آن را دارد. (۲) بانک تجاری، که «خالق» پول اعتباری بر اساس پول کاغذی است، وجود دارد. و (۳) به علت اینکه دولت در تولید و استفاده از پول، چند سالی است راه افراط پیموده، سطح قیمتها همه ماهه و همه ساله افزایش یافته و تورم در کشور فراگیر و ساختاری شده است. حال سؤال این است که، در شرایط تورمی موجود، که مردم

بخشی از پولهای خود را در قالب سپرده قرض الحسنه و یا سپرده مدت دار در اختیار بانکهای کشور قرار می دهند، و بانکها این منابع را در عقود اسلامی و عملیات بانکی بکار می گیرند و در مقابل فقط سود علی الحسابی به سپرده گذاران مدت دار، که نرخ آن نیز بسیار پایین تر از نرخ تورم است می پردازند، آیا بر حسب احکام شرعی حقوق سپرده گذاران تضییع نمی شود؟ و اصولاً آیا ربا در قرض در تورم همانند صدر اسلام باید تفسیر شود و در همان مواردی مصداق می یابد که در شرایط پول واقعی مصداق می یافت؟ اگر پاسخ مثبت است، پس لازم است که علما و فقهای محترم حوزه و شبورای نگهبان و نمایندگان مجلس و دولت تمهیداتی بیندیشند تا تورم در ایران به حد صفر تنزل کند و حفظ گردد تا قدرت خرید ریال تثبیت شود. این تمهیدات ممکن است دولت را به رعایت تعادل در بودجه کل کشور و منع استفاده از تسهیلات بانکی و بانک مرکزی مجبور سازد و معیارهای جدیدی را جهت کنترل مقدار اسکناسی که هر سال منتشر می شود برقرار سازد. همچنین، سیستم بانکی را به کاربرد صحیح تر پول در عقود اسلامی، بگونه ای که ارزش سپرده ها ثابت بماند و حقوق مردم را بهتر حفظ کنند و با روح احکام و دستورات اسلام هماهنگ تر شود، و آداب کند.

ولی تا هنگامی که اقدامات لازم انجام نشده اند و تورم ادامه دارد، شایسته است تریاتی داده شود تا کاهش قدرت خرید سپرده های مردم در بانکها بطور کامل جبران شود (۱). جبران ناقصی که اکنون می شود زیر نرخ تورم است. در نتیجه حقوق سپرده گذاران ضایع می شود و قدرت خرید سپرده های آنها به استفاده کنندگان از تسهیلات انتقال می یابد. برای تعیین مقدار خسارت و جبران کامل ارزش سپرده ها پیشنهاد شده است از ارزش روز طلا، یا ارزش روز یک کالا و یا کالاهای معین و یا شاخص هزینه زندگی، به عنوان معیار سنجش، استفاده شود، که هر یک البته معایب و محسناتی دارند. در هر صورت جبران خسارت سپرده ها هم رعایت

عدالت اجتماعی را در حکومت اسلامی امکان پذیر می کند و هم منابع کشور را از حیف و منیل شدن در پروژه ها و طرحها و شرکت های دولتی بدون بازده و یا کم بازده، حفظ می نماید. ولی اینکه جبران با چه پول یا کالائی عملی شود؟ با طلا باشد یا سهام شرکتها و یا پول رایج کشور (بطوری که خود موجب تورم نگردد) نیاز به بررسیهای عمیق تری دارد. هدف این مقاله روشن ساختن مسأله های پیچیده، اختلاف نظرها و مباحثی است که بین فقها درباره مصداق یافتن ربا در تورم، و تعیین جایگاه فقه اسلامی در کنترل تورم و حفظ حقوق مردم جریان دارد.

## اختلاف نظر:

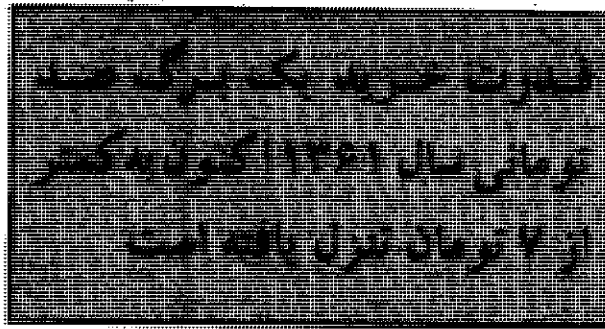
درباره اینکه آیا ربا در قرض، هنگامی که جامعه با تورم قابل توجهی مواجه است و روند سطح عمومی قیمتها رو به افزایش و قدرت خرید پول رو به کاهش دارد، مصداق می یابد، بین علمای طرفدار فقه بویا و طرفداران فقه سنتی در ایران اختلاف نظر وجود دارد. (۲) طرفداران فقه بویا، که به زبان وام دهنده (مقرض) در شرایط تورمی واقف هستند، جبران کاهش قدرت خرید پول قرض داده شده را تا مرز نرخ تورم جاری در کشور، یا حد شکست پول، نه تنها مشروع می دانند، بلکه پرداخت آن را به وام دهندم الزامی می شناسند. این گروه معتقدند که برائت از ذمه وام گیرنده (مقرض) هنگامی حاصل می شود که وی مقدار قدرت خرید اولیه قرض را، بطور تمام و کمال، به وام دهنده پس دهد، نه بیشتر و نه کمتر. بلحاظ این که اگر وام گیرنده قدرت خرید بیشتری پس دهد، وام دهنده منفعت خواهد کرد و منفعت در قرض جایز نیست. در صورت منفعت حکم ربا، که از محرّمات و معاصی کبیره است، مصداق پیدا کرده و عملی حرام و غیر مجاز انجام شده است. (۳) و اگر وام گیرنده قدرت خرید کمتری را به وام دهنده پس دهد، اتلاف در مال غیر و «اضرار به غیر» حاصل می شود که هر دو در زمره مناه و محرّمات فقهی و مذهبی قرار دارند. (۴)

از طرف دیگر، فقهای معتقد به فقه سنتی، که وزنه اجماع نظر را هنوز در طرف خود دارند، وجود تورم و اثرات باز توزیعی و سوء آن در کاهش قدرت خرید پول و سپرده‌های مردم در بانکها و در قرض و معاملات و کلاً وضع معیشتی مردم را در بررسی‌های خود دخالت نمی‌دهند و معتقدند که در قرض، دریافت هرگونه مازاد عددی بر مبلغ قرض توسط وام‌دهنده

نامشروع و خلاف حکم شریعت است. (۵) حتی اگر در سررسید، قدرت خرید مبلغ قرض وام‌دهنده شدیداً افت کرده باشد و وی عملاً متضرر شده باشد، وام‌دهنده نباید مبلغ بیشتری را از وام گیرنده طلب کند و دریافت نماید. (۶)

استدلال فقهای معتقد به فقه پویا درباره ربا در تورم زوجیتین است، یعنی اینکه دارای دو جنبه است: هم تعبدیست و موافق احکام شریعت است و هم عقلانیست و موافق عقل سلیم است. تعبدیست زیرا که، بر مبنای دستورات صریح قرآن کریم و روایات معتبر استوار است. عقلانیست زیرا که حقوق مردم نسبت به یکدیگر را حفظ می‌کند، اجرای عدالت اسلامی را عینیت می‌بخشد و اعتماد عمومی و انجام تعهدات متقابل مردم در جامعه را مستحکم نگه می‌دارد. و علاوه بر همه اینها، عملکرد اقتصاد کشور را بهینه‌تر می‌کند. به همین مناسبت دیدگاه این گروه از فقها درباره مصداق نیافتن ربا در تورم مشروط بر اینکه نرخ جبران افزون بر نرخ تورم نباشد، مورد تأیید قریب به اتفاق کارشناسان اقتصادی کشور نیز هست. (۷)

ولی برخورد فقهای محترم طرفدار فقه سنتی با مسئله ربا در تورم کلاً تعبدیست. این گروه پدیده‌های اقتصادی جدید؛ مانند پول کاغذی، پول اعتباری، چگونگی خلق پول، ایجاد تورم و اثرات ناپذیرنده ناشی از کاهش ارزش پول، سپرده‌ها، اعتبارات و جایگاه صحیح هر یک در جامعه اسلامی را مد نظر قرار نمی‌دهند و کمتر درباره آنها بحث می‌کنند. البته آنها فشارهای ناشی از زندگی تورم زده جمعیت فزاینده مردم ایران را در اطراف خود مشاهده می‌کنند، ولی چون به تفاسیر سنتی پایبندند و در کتب علمای سلف هم عناوین فوق‌الذکر بندرت یافت می‌شود و ضمناً از خطای احتمالی در تفاسیر و احکام الهی واهمه دارند، چه حل مشکلات مربوطه نپرداخته و احتیاطاً از کنار مسائل معیشتی مردم در جامعه اسلامی



می‌گذرند. پس به بحث و تفسیر درباره مفاهیم فقهی سنتی بسنده می‌کنند. به همین مناسبت در بسیاری از امور اقتصادی چراها بی‌پاسخ مانده‌اند و تکلیف مردم روشن نیست و گسره‌ای از مشکلات مردم تورم زده کشور باز نمی‌شود.

برخورد فقهای سنتی با موضوع ربا در تورم با سیاست عدم انتشار اوراق قرضه دولتی در ایران، موضوعی که هنوز لاینحل مانده است، نیز ارتباط تنگاتنگ دارد. در طول هفده سال گذشته دولت موفق به انتشار اوراق قرضه و رفع نیازهای ناشی از کسر بودجه خود از طریق در اختیار گرفتن منابع مالی مردم (استقراض از



پروفسور دکتر سید علی حسینی

مردم) نشده است، زیرا که علما و فقهای حوزه‌های و شورای نگهبان مجوزهای فقهی لازم را در اختیار دولت قرار نداده‌اند و کلاً این راه آزموده شده و ضد تورمی را بر دولت مسدود ساخته‌اند. تا اینکه اخیراً فروش اوراق مشارکت به مردم موزد تأیید قرار گرفته است. پس دولت ناچاراً راهی را برگزیده که به شکست قدرت خرید پول مردم ایران منجر شده است. به علت به استقراض از (۱) بانک مرکزی، که چاپخانه نشر اسکناس در اختیار دارد و همه ساله میلیاردها تومان پول کاغذی را از هیچ «تولید» می‌کند و آن را در اختیار دولت خود قرار می‌دهد و به استقراض از (۲) سیستم بانکی کشور، که تقریباً همه سپرده‌های مردم را در اختیار دارد و پول اعتباری «خلق» می‌کند و همه ساله مکلف به پرداخت بخش عمده آن بر حسب قانون بودجه به دولت

می‌شود، اقدام کرده است و به این منابع «سود» پرداخت می‌کند. با انتخاب این روشها، که می‌باید مورد عنایت حوزه علمیه و فقهای سنت‌گرا قرار گیرد، و تزریق بیش از حد پول به اقتصاد کشور، دولت موفق شده است همه ساله بخشی از قدرت خرید مردم را از آنها سلب کند و بدون رضایت مردم مال آنها را به نهادها، وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی انتقال

دهد. پس با کم کردن، شکستن، تحلیل بردن و کاهش دادن قدرت خرید پولهای مردم، به نظر می‌رسد اضرار به غیر و اتلاف مال غیر مصداق پیدا کرده است و انطباق این بخش از فعالیتهای دولت با موازین شرعی جای سؤال دارد.

### ربا در فقه سنتی:

تلفی فقه سنتی از ربا مربوط می‌شود به دورانی که نوع و ماهیت پول با آنچه که فعلاً در جهان و ایران رواج دارد تفاوت داشت. در صدر اسلام، در کنار تهاثر کالا با کالا، پول نیز به عنوان واسطه مبادلات، در قالب مسکوکات طلا و نقره، که نقدین نامیده می‌شد، عمل می‌کرد. نقدین متعلق به مردم بود و نه حکومت و با تولید و معامله و تجارت بدست می‌آمد. حکومت از بابت مالیاتهای شرعی و حق الضرب این فنلرات به مسکوکات رقیمی را از مردم دریافت می‌کرد. طلا و نقره یا دینار و درهم، که پول را در حکومت اسلام تشکیل می‌دادند، هر کدام عینیت کالایی داشتند و دارای ارزش ذاتی بودند. در آن دوران پول کاغذی هنوز کشف و رایج نشده بود. بانک تجاری امروزی، که خالق پول اعتباریست، یعنی پولی که با صدور چک و سیله قرار می‌گیرد، نیز هنوز دائر و فعال نشده بود. به همین مناسبت حجم نقدین در جریان همه ساله نسبتاً ثابت بود و از بابت آن سطح عمومی قیمتها نیز ثابت بودند. از اسکناس نیز، به گونه‌ای که ما امروز می‌شناسیم و قرن‌ها بعد، به نمایندگی از طرف نقدین کم کم بجریان افتاد، خبری نبود.

در صدر اسلام حجم پول در جریان نسبت به مقدار کالا و خدمات تولید شده در جامعه عمدتاً از دو طریق قابل افزایش بود: (۱) فتوحات جنگی مسلمانان که به کسب غنائم و اندوخته طلا و نقره دول مغلوب منجر می‌شد و (۲) کشف احتمالی معادن جدید طلا و نقره در سرزمینهای تحت حکومت اسلامی. در این دو حالت ممکن بود حجم پول نسبت به کالا بر هم خورد و لبات نسبی قیمتها در کوتاه مدت به افزایش نسبی

قیمتها مبدل شود. ولی در شرایط عادی، که صلح و ثبات حاکم بود، در مبادلات تعادل بین پول و کالا نیز برقرار بود و تورم عملاً پدیده‌ای بی‌اهمیت، بی‌مصدق، و اگر بود سرماً گذرا بود. پس احکام شرع مقدس در شرایطی شأن نزول یافتند و جاری شدند که جامعه، اقتصاد و روابط معیشتی مردم با یکدیگر ساده‌تر بودند و در حالیکه بعدها حکومت به خلفای غاصب تعلق گرفت، باز هم امکان سوء استفاده حکومتها از پول مردم و کاهش قدرت خرید آن به آسانی میسر نبود. اولین سوء استفاده بزرگ از پول

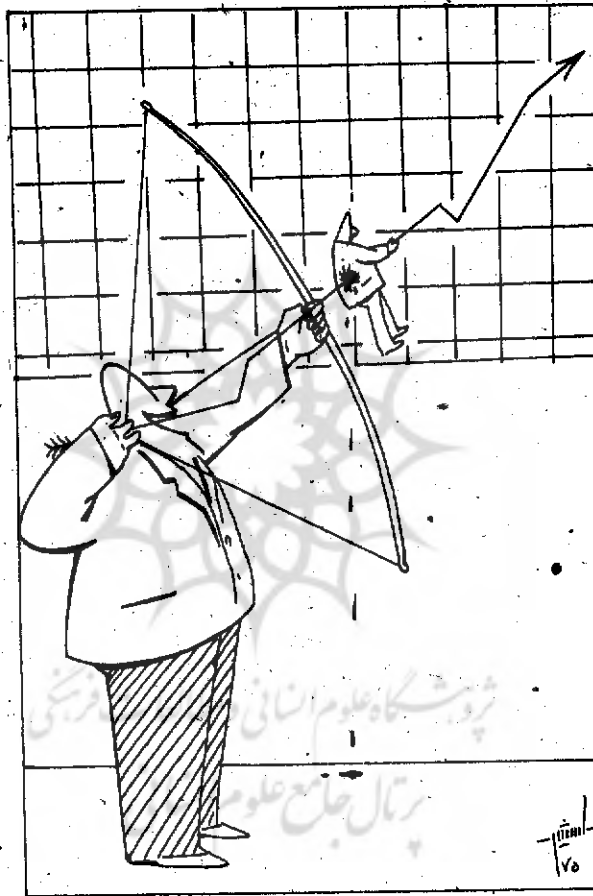
مردم مربوط می‌شود به سال ۷۹ هجری، که در آن سال عبدالملک مروان، خلیفه اموی از وزن درهم و دینار رایج در قلمرو خلافت خود کاست و درهم را از ۲/۱۱ و ۳/۹۷ گرم نقره خالص به ۲/۹۷ گرم، یا ۰/۷۰ (مقاله) کاهش داد و آن را درهم شرعی خواند. (۸)

البته تصور این که با فتوحات مسلمانان و گسترش حکومت اسلامی، چون نیاز به تقدین دائماً وجود داشت و افزایش می‌یافت ولی مقدار آنها در دست مردم نسبتاً ثابت بود، اتفاق می‌افتاد که برای دوره‌هایی، سطح عمومی قیمتتها، برعکس زمان ما در ایران، کاهش می‌یافت و در نتیجه قدرت خرید و ارزش درهم و دینار هر دو افزایش می‌یافت، مشکل نیست. در چنین دوره‌هایی، که عمده وام‌ها از نوع مصرفی و ضروری بودند و برای گیرندگان آنها درآمدی را ایجاد نمی‌کردند، عقلانی بود که ریای قرضی توسط شرع مقدس تحریم شود. زیرا وام‌دهنده که با شرط منفعت از قبل تعیین شده پول خود را به وام گیرنده قرض می‌داد، هم از بهره قرض خود منتفع می‌شد و هم از افزایش قدرت

خرید پول در طول زمان قرض. پس امکان آن وجود داشت که وام‌دهنده، به قیمت ورود زیان و حتی نبودن برادر دینی خود، نفع مضاعف ببرد. این وضعیت غیر عادلانه نمی‌توانست مورد تأیید شرع مقدس قرار گیرد.

همینطور، در صدر اسلام، که پول رایج از طلا و نقره تشکیل می‌شد و تورم وجود نداشت، کنز کردن پول اجماعاً امری ناپسندیده و ناشایست تلقی می‌شد. زیرا که کنز کردن، وسیله پرداخت در مبادلات را در جامعه کم می‌کرد و کم شدن پول در اقتصاد از سطح فعالیتها می‌کاست و مردم را در

مضیقه قرار می‌داد. پس هماهنگ با نظر الماطون، که پول را فی نفسه سترون و نازا شناخته بود، کنز پول در قرآن کریم و در فقه اسلامی نیز عملی حرام و غیر مجاز اعلام شده بود. (۹) ولی در زمان حال، که پول رایج از کاغذ تهیه می‌شود و تولید آن انحصاراً در اختیار دولت قرار دارد و دولت، از طریق چاپ و مصرف دلخواه اسکناسهای بیش از حد نیاز واقعی، اقتصاد کشور را متورم می‌سازد و مال مردم را به خود انتقال می‌دهد، کنز کردن پول، به معنی خارج کردن پول از شبکه مبادلات،



راه، در زمانی که پول رایج از کاغذ است، بارها در ثبات قیمتتها، یعنی هنگامی که پول از طلا و نقره بود، یکسان تلقی می‌کنند، عامل زمان و مکان و تغییر شرایط و عوامل و پدیده‌های اقتصادی نوین را در تفاسیر فقهی خود نادیده می‌گیرند و تورم را عاملی بی‌اثر و خنثی می‌بندارند. در حالیکه، تورم عامل خنثائی نیست. مالیات پول سالهاست عوض شده است و پول دیگر مالیات ذاتی ندارد. بلکه پول اکنون از کاغذ تهیه می‌شود و مالیات آن اعتباری شده است. پول به اعتبار

دولت ناشر و اقتصاد کشور مورد پذیرش مردم قرار می‌گیرد و هر واحد آن دلالت بر مقداری قدرت خرید از کالاهای خدمات کشور را دارد. متأسفانه در ایران مالیات و ارزش پول در سالهای اخیر شدیداً مورد تهاجم قرار گرفته است و فقرا فقیرتر و توانگران دازاتر شده‌اند، لذا پافشاری بر تفاسیر فقهی روزگاران گذشته گری از کار مردم باز نمی‌کند.

امروزه ثابت شده است که بلای تورم در اقتصاد کشورهای در حال توسعه، مانند ایران، عمدتاً یک پدیدهٔ پولیست. این پدیده از کسری در بودجه دولتها و نحوه تأمین آن منبعث می‌شود. دولتهائی که منیر استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی خود را می‌پیمایند و انضباط پولی، به معنی مخارج محتاطانه و حفظ نرخ تورم در حد معقول ۲ درصد در سال را رعایت نمی‌کنند، بیشتر از سایر کشورها اقتصاد خود را با تورم و کاهش ارزش پول مواجه می‌سازند. همینطور تجربه نشان داده است مالیات و ارزش پول مانند گذشته ثابت نیست و شدیداً به سیاست‌گزاریهای دولتها، روش

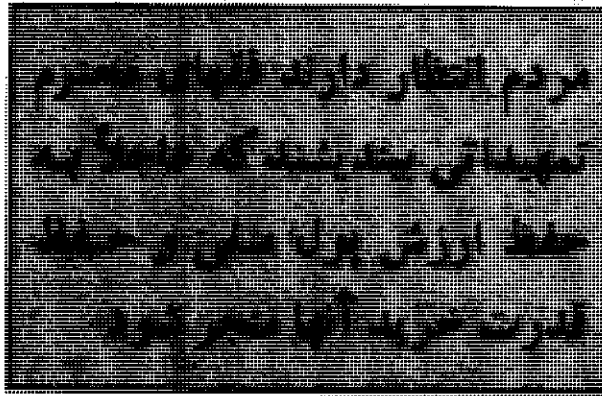
تأمین کسریهای بودجه و عامل زمان و مکان بستگی دارد. پس هزار تومان اگر الان حاصل شود ارزش کامل دارد. اگر سال آینده بدست آید ارزش دیگری دارد و اگر پنج سال از حال حاصل گردد باز هم ارزش کمتری دارد. همین فرایند، اگر در شرایط تورمی حاصل شود، در هر یک از زمانهای فوق و تحت نرخ تورم‌های متفاوت، ارزشهای متفاوت و کمتری را ایجاد می‌نماید.

نظر گروهی از فقهای طرفدار فقه پویا این است که فقه سنتی نباید نسبت به این واقعیات بی‌تفاوت بماند و از یکطرف راه را برای

در شرایط تورمی اصولاً مصداق پیدا نمی‌کند. زیرا، جز اینکه شدیداً ارزش خود را از دست دهد نتیجه‌ای برای کنز کننده در بر ندارد. پس فلسفه وجودی کنز پول، که در گذشته مورد توجه فقهای اسلام بود و هنوز هم در کتب فقهی مورد توجیه قرار دارد، سالهاست که از بین رفته است و بحث و گفتگو دربارهٔ آن تقریباً در هدر رفته است.

علما و فقهائی که تضعیف حق الناس را در نتیجه شرایط کنونی اقتصاد مشاهده می‌کنند و هنوز هم جبران شکست پول در قرض در تورم

استقراض دولت از بانک مرکزی و سیستم بانکی باز گذارد و از طرف دیگر عملکرد تورمی دولت را نادیده بگیرد و وجود تورم را عاملی خنثی تلقی کند. گره مشکلات مردم تورم زده ایران در اصل بدست علما و فقهای محترم کشور باز می شود. پس مردم انتظار دارند که علمای محترم تمهیداتی بیندیشند که عاجلاً به حفظ ارزش پول ملی و حفظ قدرت خرید سپرده های آنها در سیستم بانکی کشور و نیز حفظ قدرت خرید دستمزدها، بازنشستگی و مستمری های مردم منجر شود.



بوده است. و با در اختیار گرفتن و خرج کردن اسکناسهای جدید، در طول چهارده سال، از هر ۱۰۰ تومان ۹۳ تومان قدرت خرید پول مردم را بخود انتقال داده است. به همین مناسبت قاعده انضام مال غیر مصداق پیدا کرده و دولت ضامن است. هر نوع تلاف مال غیر و ضرر به غیر مسئولیت شرعی و مدنی دارد. (۱۲)

علما و فقهای معتقد به تفاسیر پویا از فقه، از مصداق یافتن ربا در تورم، یعنی هنگامی که مالیت پول مورد تهاجم قرار گرفته است و دائماً در حال کاهش می باشد، تفسیر جدیدی به عمل آورده اند. این علما، هماهنگ و همفکر با کارشناسان اقتصادی، اعتبار پولی یا ارزش یک قطعه اسکناس را در قدرت خرید آن اعلان می کنند. پس هر کس که مالک یک قطعه اسکناس مثلاً ۱۰۰۰ تومانی است در حقیقت مالک مقدار معینی قدرت خرید از کالا و خدمات کشور است. هنگامی که وام دهنده به وام گیرنده مبلغی را قرض می دهد، در سر رسید آنچه را که داده باید

یافته آن نهاد اقدام می کند و همچنین عمده اعتبارات بانکهای کشور را، که بالغ بر ۹۵ درصد آنها متعلق به مردم است، همراه با قدرت خلق پول بانکهای تجاری کشور، در اختیار می گیرد و به حساب سازی های جدید نیز اقدام می کند. (۱۲) از ماییت پول مردم الزاماً کاسته می شود. و این وضعی است که در سالهای بعد از انقلاب و به ویژه بعد از پایان جنگ، در ایران پیش آمده است. و در حالی که پول در همه اعصار تاریخی متعلق

در هر صورت، طرفداران فقه سنتی، در شرایط تورمی موجود، باز پرداخت اصل هر سپرده، قرض الحسنه و هر سپرده دیداری یا مدت داری را توسط بانک با تعداد اسکناسهای بیشتری، مازاد بر آنچه که در اختیار بانک قرار داده شده است ربا تلقی می کنند. (۱۰) در حالی که این سپرده ها و وامها برای صاحبانشان نه تنها منفعتی حاصل نمی کنند. بلکه، از طریق تفاوت بین نرخ سود بانکی که بانکها می پردازند و نرخ سودی که بانکها دریافت می کنند (و چندین سال است که این دو از نرخ تورم کمتر است) بانکها عملاً اصل مال مردم را به استفاده کنندگان از تسهیلات و دولت انتقال می دهند و بدین ترتیب باعث تضییع بخشی از حق الناس می شوند. در حالی که گروهی از فقهای محترم سنت گرا با موضوع ربا در تورم برخوردی عبادی دارند در احکام مربوط به دیات، قصاص، مهریه، تمبرات، حدود و غیره ارزش درهم و دینار را با کامپیوتر به روز و ساعت و دقیقه تبدیل می کنند، که دلالت بر پذیرش قطعی کاهش مالیت پول و قدرت خرید ریال در کشور دارد. (۱۱)

به مردم بوده است و تنها بخشی از آن از طریق پرداخت مسایلتها، عوارض و خراج ها به دولتها انتقال می یافته است، اکنون دولت در تولید و «خلق» و استفاده دلخواه از پول به فعال مایشاء مبدل شده است. این گروه از فقهای شیعه آگاه هستند که بر حسب شاخص قیمت کالاهای مصرفی، که ارزش ریال را همه ماهه و همه ساله تقویم می نماید، تورم دولتی باعث گردیده از سال ۱۳۶۱ (سال پایه) تا پایان سال ۱۳۷۴، قدرت خرید هر ۱۰۰ تومان پول مردم به زیر ۷ تومان افول کند. و بر همین اساس هر ۱۰۰ تومان پول ملی ایران اکنون کمتر از ۷ تومان سال ۱۳۶۱ ارزش دارد. (۱۳) دولت با انتشار و خرج اسکناسهای جدید مسبب این کاهش

### ربا در فقه پویا:

از طرف دیگر، فقهای معتقد به فقه پویا، تغییرات در ماهیت پول در سالهای اخیر و فرایند تکاملی تبدیل نقدین به اسکناس و اعتبار را بخوبی مدنظر دارند. این گروه پذیرفته اند که کسری بودجه کل کشور، از ناحیه فزونی مخارج دولت بر منابعی که از نفت و مالیات و تصدیگری شرکتها و مؤسسات دولتی بدست می آورد، حادث می گردد. پس هنگامی که جهت رفع نیازهای روز افزون خود، دولت به استقراض از بانک مرکزی و استفاده از اسکناسهای انتشار

## اطلاعیه

### پس این آزادگان

## AZADEGAN

نام: \_\_\_\_\_

تلفن تماس: \_\_\_\_\_

آدرس کامل: \_\_\_\_\_

مختصر این گروه خدمات بهتر

به مصرف کنندگان عزیز

کارت اشتراک

پیراهن آزادگان

را تقدیم نمائیم.

لطفاً با تکمیل فرم مطالب

و ارسال آن به دفتر مرکزی،

یا با مراجعه به نمایندگان

پیراهن آزادگان

در سراسر کشور

نسبت به دریافت

کارت اشتراک

و استفاده از مزایای آن

اقدام فرمائید.

### اعتماد شما موجب افتخار ماست

دفتر مرکزی: تهران، خیابان انقلاب، بین گنج و ولیعصر / شماره ۳۷۷

تلفن: ۰۲۱-۸۶۶۸۰۶۴ / فاکس: ۰۲۱-۸۶۶۸۰۶۴

پس بگیرد. مقترض تملیک عین کرده است و در سررسید باید آن را پس دهد. به عبارت ساده‌تر وام‌گیرنده همان مقدار قدرت خریدی را که گرفته است باید مسترد نماید تا اینکه از ذمه بری شود، نه بیشتر و نه کمتر. زیرا که از پیغمبر (ص) روایت است که فرمودند «کل قرض یجوز منفعه فهوربا». یعنی اینکه، هر قرضی که به منفعتی برای وام‌دهنده منجر شود ریاست و حرام است. حال اگر وام‌گیرنده برابر نرخ تورم را به وام‌دهنده پرداخت کند؛ وام‌دهنده منفعتی نکرده است و ربا مصداق نیافته است.

در نتیجه پرداختی تا حد تورم به وام‌دهنده ربا نیست و باید به وی پرداخت شود. اینکه شخصیت وام‌گیرنده حقیقی باشد یا حقوقی، فرد باشد یا بانک، دولتی باشد یا خصوصی، فرقی نمی‌کند. در هر حال جبران کاهش مال وام‌دهنده توسط وام‌گیرنده الزامی است و شرعاً باید به عمل آید. (۱۵)

این حکم در مورد سپرده‌گذاران ایرانی، که بخشی از پول خود را در قالب سپرده‌های جاری، قرض الحسنه و مدت‌دار، به سیستم بانکی کشور قرض می‌دهند لازم الاجرا است. سپرده‌گذاران در همه موارد عملاً مقداری قدرت خرید در اختیار بانک قرار می‌دهند. این سپرده‌ها برای بانک درآمد ایجاد می‌کنند. پس بر ذمه بانک است که با کاربرد صحیح منابع مردم، جبران کامل کاهش قدرت خرید پول سپرده‌گذاران را در طول دوران در اختیارگیری بکنند.

در حال حاضر از بابت سپرده‌های قرض الحسنه که حدود ۱۰٪ منابع مالی بانکها را تشکیل می‌دهد، هیچگونه جبران کاهش به عمل نمی‌آید و مال آنها به دیگران انتقال داده می‌شود. از طرف دیگر، مشروعیت عدم جبران کامل کاهش قدرت خرید پول مردم در سپرده‌های مدت‌دار نیز، که حدود ۱۰٪ منابع بانکها را تشکیل می‌دهد، با استفاده از یک راه حل شرعی حل شده تلقی می‌شود. و آن اینکه، بر حسب قانون عملیات بانکی بدون ربا، بانک از طرف سپرده‌گذاران وکیل است تا منابع آنها را در عقود اسلامی و عملیات بانکی خود بکار گیرد. پس اینگونه سپرده‌ها وام (قرض) تلقی نمی‌شوند که بانک ملزم به حفظ قدرت خرید کامل آنها باشد. بانک با وکالت تام‌الاختیار از طرف سپرده‌گذار در سود و زیان ناشی از عقود وارد می‌شود و نتیجه عملیات را به

## «مسئله» و «ارزش» پول در ایران هر سالهای اخیر شدیداً مورد تهاجم قرار گرفته و فقها تفسیر و تفسیرگران دارا آن شده‌اند

بانکی کشور در برابر مردم مسئولیت شرعی دارند و باید سربعاً راه حل‌هایی را اندیشه کنند تا جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم، تا حد سالیانه تورم در کشور به عمل آید. (۱۸) مردم انتظار دارند، همان‌گونه که علما و فقهای محترم مشکل حق طلاق را برای زنان کشور، که زمانی غیرممکن تصور می‌شد، از طریق «شرط» حق طلاق حل و فصل کردند، به حل مشکلات از دست رفتن قدرت خرید سپرده‌های آنها در سیستم بانکی کشور نیز بپردازند.

اگر بنابراین باشد که منابع پولی سپرده‌گذاران مدت‌دار، به وکالت از طرف آنها توسط بانک در عقود اسلامی بکار برده شوند و بانکها عملاً در سود و زیان ناشی از عقود شرکت داشته باشند، که امریست تعبدی و ضد تورمی و در نتیجه عقلانیت، مقررات مربوط به اجرایی قانون بانکداری بدون ربا باید عاجلاً بازنگری شوند. پاره‌ای از تغییرات لازم شامل موارد زیر است: (۱) سیستم حسابداری فعلی، که مبلغ سود علی‌الحساب سپرده‌گذاران را به حساب هزینه بانک منظور می‌کند باید عوض شود. (۲) سهم سود بانک از سهم سود سپرده‌گذاران باید تفکیک شود و اولی به حساب درآمد بانک و دومی به حساب سود قابل پرداخت به سپرده‌گذاران برده شود. (۳) سقف و نرخ تسهیلات در عقود برداشته شود تا اینکه عملکرد منطبق بر شرع شود. (۴) در عقد مضاربه زیان‌پذیری و زیان احتمالی در اصل سرمایه نباید متوجه عامل گردد. بانک باید در خطرپذیری و ریسک شرکت کند و از عامل نباید وثیقه درخواست نماید. (۵) روش شرط ضمن عقد در مضاربه، که تمهیدی جهت فرار بانک از زیان احتمالی است، باید کنار گذاشته شود. (۶) در مضاربه مدت قرارداد متناسب با زمان معامله باشد نه شش ماه ثابت فعلی. (۷) بانک مرکزی تنها از سپرده‌های جاری قرض الحسنه «ذخیره قانونی» بگیرد و نه از سپرده‌های سرمایه‌گذاری. (۸) تسهیلات تکلیفی که به دولت و زیر مجموعه دولت پرداخت می‌شود، فقط به منابع متعلق به بانک محدود گردد و از قرض الحسنه و سایر سپرده‌های مردم در تسهیلات تکلیفی استفاده نشود. در حال حاضر نرخ سودی که دولت بابت استفاده از سپرده‌های مردم می‌پردازد در حد ۱۰٪ نرخ تورم است و به شدت به زیان سپرده‌گذاران است. این نرخ باید با نرخ تورم برابر و با نزدیک به آن تعیین شود. (۹) در پایان مدت عقد مضاربه، واریز از ما حاصل فروش و عملکرد عقد باشد

سپرده‌گذار انتقال می‌دهد. ولی به لحاظ این که بانک هم اکنون سالانه فقط ۱۴ درصد سود بانکی می‌پردازد که بین ۱ تا ۱۰٪ نرخ تورم کشور است، بانک به وکالت خود به طور مطلوب و شایسته‌ای عمل نکرده است.

### وضع کنونی...

متأسفانه در عمل، روح حاکم بر عقود اسلامی در معاملات و عملکرد سیستم بانکی کشور حضور ندارد. (۱۶) برای مثال: (۱) بر حسب روش حسابداری موجود، مبلغ سود علی‌الحسابی که به سپرده‌گذاران پرداخت می‌شود به حساب هزینه‌های بانک گذشته می‌شود، که حکایت از تداوم روشهای قبلی دارد. (۲) سهم سود بانک از سهم سود سپرده‌گذاران تسفیک نمی‌شود (۳) در عقود مضاربه و مشارکت، از گیرنده تسهیلات کارمزد (سود) از قبل تعیین شده گرفته می‌شود که دارای سقفی از ۱۸ تا ۲۶ درصد است. در حالیکه در این عقد قرار نیست سود از قبل تعیین شده گرفته شود. (۴) بانک در خطرپذیری ناشی از عملیات عقود شرکت نمی‌کند، بلکه از طریق یک راه حل فقهی دیگر، که شرط خارج عقد نامیده می‌شود (مانند عقد صلح) بانک فقط در منافع عامل سهیم می‌گردد. نتیجه این نوع بزخورد با مال سپرده‌گذاران در سیستم بانکی کشور در سال گذشته این بوده که هر نفر سپرده‌گذار حدود ۳۵/۴ درصد از قدرت خرید منابع پولی خود را از دست داده است. (۱۷) و در حالیکه وام‌گیرنده، به اندازه مابه‌التفاوت نرخ سود پرداختی به بانک و نرخ تورم یا بیشتر از آن، مستفیع شده است، چیزی نصیب بانک نشده است. بدین لحاظ فقهای محترم شورای نگهبان و مسئولین نظام

و با تسهیلات جدیدی که عامل دوباره از بانک دریافت می‌کند، واریز انجام شود.

در هر صورت، هرگونه تمهیداتی که اندیشیده می‌شود باید در جهت حفظ ارزش پول سپرده‌گذاران باشد نه در جهت منفعت رسانیدن به گیرندگان تسهیلات، که فعلاً رایج است. اگر عقود اسلامی مطابق با روح شریعت پیاده شوند، که کار بسیار مشکلی است، سپرده‌گذاران عملاً در سود و زیان ناشی از عملیات عقود سهیم شده و اثر تورم نیز در نرخهای بازگشت سرمایه و پول آنها ثبت خواهد شد.

پس مشکل کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم در سیستم بانکی، که از تورم دولتی سرچشمه می‌گیرد، بلحاظ وجود انواع کترلهای دولتی بر عملکرد بانکهایی که مجریان عقود اسلامی هستند، در شرایط موجود باید جبران شود. آنچه فعلاً وجود دارد تلفیقی از بانکداری غربی، بویژه در روش حسابداری و نگهداری ذخیره قانونی در برابر سپرده‌ها و جنبه‌هایی از فقه اسلامی است. علما و فقها باید بیشتر به این مسائل بپردازند و نهادهای دولتی مسئول نیز باید بر حسب تجارب بدست آمده جدید دائماً در آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی خود تجدید نظر کنند.

### جبران کاهش

بهترین سیاست جهت مقابله با کاهش قدرت خرید پول و حفظ ارزش سپرده‌های مردم در سیستم بانکی کشور همانا حذف کامل تورم و یا کاهش و کنترل آن در حد ۲ الی ۳ درصد در سال به منظور تشویق رشد اقتصادی است. ولی از آنجاکه اقدامات ضد تورمی، اولاً بلندمدت هستند و ثانیاً احتمال انجام آن توسط دولتی که

عمیقاً وجود تورم را در اقتصاد لازم می‌داند و فقدان تورم را به معنی رکود در اقتصاد قلمداد می‌کند، بسیار کم است، لذا باید در کوتاه مدت اقداماتی جهت جبران کامل کاهش ارزش پول در قرض و سپرده‌های بانکی انجام شود. چنانچه مصلحت نظام ایجاب نماید که جبران ناقص کاهش قدرت خرید سپرده‌گذاران در سیستم بانکی دولتی کشور بر ووال کنونی ادامه یابد، فقه پویا استدلال می‌کند که عدالت اجتماعی و روح حاکم بر قوانین و احکام شریعت اسلام اجراء نشده است.

بخش اعظم مردم ایران معتقدات مذهبی عمیقی دارند و از دستورات و فتاوی علما و فقها و مجتهدین مورد پذیرش و اعتماد خود پیروی می‌کنند. این مردم، حتی اگر نرخ تورم کشور چند برابر نرخ فعلی شود و سود بانکی سپرده‌ها به یک دوم یا یک سوم سطح کنونی کاهش یابد، باز هم عده‌ای بخشی از پول خود را به بانکها خواهند سپرد و حساب قرض الحسنه دائر خواهند ساخت. مثل این افراد مثل روزه دار است که به علت مریضی روزه گرفتن بروی حرام

است، زیرا که سلامت بدن ارجح بر ادای فریضه روزه است، لیکن به علت ناآگاهی از دستورات مذهبی، به علت تفهیم نشدن کامل و یا برای نشان دادن اخلاص در عبادت، بر روزه گرفتن و روزه دار ماندن پافشاری می‌ورزد و سلامت خود را به مخاطره می‌اندازد. روح

احکام اسلام ایجاب می‌کند که هیچکس از معتقدات مردم سوء استفاده نکند و رعایت حفظ حق الناس را بنماید، حتی اگر مردم در مطالبه حقوق خود خاموش باشند.

در یکی از استانهای کشور چند سالیست که یک صندوق قرض الحسنه تأسیس شده است. این صندوق، که عملیاتی شبیه یک بانک تجاری را انجام می‌دهد و اکنون بالغ بر ۹۰ شعبه در روستاها و شهرهای استان دائر کرده است، سالانه میلیاردها تومان منابع مردم را جمع‌آوری می‌نماید. عملیات این صندوق، خارج از چهارچوب مقررات بانک مرکزی انجام می‌گیرد و شامل (۱) جمع‌آوری سپرده‌های قرض الحسنه مردم و پرداخت قرض الحسنه‌های کوچک (۲) قرار دادن دسته چک در اختیار سپرده‌گذاران، (۳) پرداخت قرض الحسنه‌های چند میلیارد تومانی به تنها شرکت تعاونی استان، در مقابل دریافت «کارمزد» با سود بانکی ۱۰ الی ۱۲ درصدی، که از طریق روش شرعی «هبه» دریافت و پرداخت آن مشروع می‌شود. و (۴) کسب درآمد برای صندوق، که پس از کسر هزینه‌های جاری و

## شروشگاه آهن

### ریختنی

### فروشنده لوازم ساختمانی

از قبیل:

### لوله، جوش، بخار، آیرسانی

آدرس: تهران پارک  
شهر، جنب مغازه  
محمد شیدانی  
ساختمان ۲۲۲  
طبقه اول، پلاک ۱۲  
تلفن: ۲۲۲۲۲۲  
۲۲۲۲۲



## خانه موی ایران

اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران  
از یکصد تار مو تا یکصد هزار تار مو  
روش تین اسکن از آمریکا  
بدون عمل جراحی



ولی‌عصر، جنب سینما آفریقا، طبقه سوم  
۸۹۸۴۲۳ - ۸۸۹۲۲۸۱

سرمایه‌ای و غیره مانده آن در عملیات عام المنفعه بکار برده می‌شود.

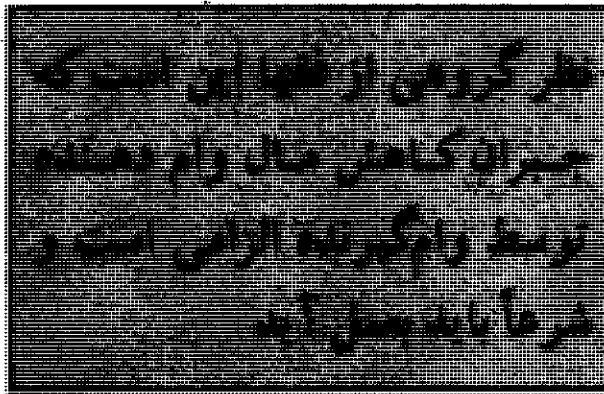
از دیدگاه فقه سنتی عملیات این صندوق بدون اشکال است. ولی از دیدگاه فقه پویا، که با نظر کارشناسان اقتصادی نیز هماهنگ است، در شرایط تورمی ۳۰ تا ۵۰ درصدی سالانه، حقوق صاحبان سپرده در این صندوق دائماً در حوال ضایع شدن است و صندوق سبّری از ذمه نیست. این صندوق هنگامی از ذمه بری می‌شود که همان قدرت خرید اولیه

سپرده شده را به هر یک از سپرده‌گذاران مسترد نماید. وام‌گیرندگان نیز باید جبران کامل کاهش قدرت خرید منابعی را که در طول زمان در اختیار خود می‌گیرند، به صندوق بپردازند تا از ذمه بری شوند. پس هم صندوق و هم وام‌گیرنده ضامن هستند.

همینطور مورد تأیید قرار دادن و دریافت وام توسط دولت از بانک مرکزی و تسهیلات از بانکهای کشور، بر حسب قانون بودجه سالانه کل کشور و مجاز شمردن پرداخت سود یا کارمزد باین منابع، در حالی که انتشار و فروش اوراق قرضه دولتی به مردم و رفع نیازهای بودجه‌ای از این طریق، هنوز از مجوز فقهای شورای نگهبان برخوردار نیست، حکایت از برخوردی دوگانه با یک موضوع واحد دارد. پرسش معقول این است که، چه عاملی وام گرفتن دولت از نظام بانکی کشور را مشروع می‌دارد ولی وام گرفتن دولت از مردم را نامشروع می‌نماید. در حالی که بین این دو اقدام اولی تورمی و زیان‌آفرین و دومی سازنده و مفید بحال مردم و کشور اسلامی است. مسلماً این برخورد دوگانه نیاز به توجه و تجدید نظر دارد. (۱۹)

### روش اشتباه

کسری در بودجه‌های دولتها منحصر به دولت ایران نیست. هم اکنون بسیاری از کشورهای جهان همه ساله با کسری بودجه‌های نسبتاً کلان مواجه هستند. آنچه که دولت ایران را از سایر دولتهای مواجه با کسری متمایز می‌سازد، روش تأمین این کسری است. کشورهای جهان اکثراً به استقراض عمومی دست می‌زنند و راه استفاده از تسهیلات و اعتبارات بانکی را بر خود مسدود کرده‌اند. زیرا که استقراض از مردم غیر تورمیست ولی از نظام بانکی کشور شدیداً تورم‌زاست. دولت ایران دقیقاً راه تورمی را



برگزیده است.

به نظر می‌رسد دولت ایران به دو علت راه صحیح تأمین کسری بودجه را کنار گذاشته است. اول اینکه فقهای محترم شورای نگهبان مشکل ربوی بودن سود بانکی قابل پرداخت به اوراق قرضه دولتی را که منسی‌بایست در سرمایه‌گذارهای ملی و توسعه اقتصادی کشور بکار گرفته شوند، مردود شمرده‌اند. پس دولت راه آسان‌تر ولی مخرب‌تری را پیمود. دولت از بانک مرکزی خواست تا اسکناس فراوان چاپ بزند و آنها را در اختیار دولت قرار دهد. نتیجه اینکه ترس از ابتلاء به معاملات و استقراض ربوی دولت را از انتخاب روش فروش اوراق قرضه بر حذر داشت.

دوم اینکه، نوعی غلط مشهود بر تفکر و سیاست‌گذاری‌های دولت حاکم بوده است. بدین معنی که دولت تصور کرده است از طریق استقراض از بانک مرکزی به منابع پولی «مجانی» دست می‌یابد. در حالیکه در اقتصاد منابع پولی «مجانی» وجود ندارد. اگر دولت طرحی ایجاد می‌کند نهایتاً این مردم هستند که هزینه‌های آن را می‌پردازند. البته از دیدگاه دولت این سیاست درست بوده است. زیرا که، جهت در اختیارگیری منابع بانک مرکزی، دولت عملاً چیزی پرداخت نمی‌کند. ولی دولت، که خود باید حافظ منافع آحاد ملت باشد، عملاً میهمان جیب ملت ایران بوده است. پس حدود هفده سال است که مردم، از طریق کاهش ارزش پول خود هزینه‌های مصرفی و سرمایه‌ای و زائد دولت را پرداخت کرده‌اند.

### شاخص جبران

اگر بنا باشد جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم از طریق اجرای صحیح قانون بانکداری بدون ربا پیاده نشود و عقود نیز کم‌کم

محدودتر گردند، پس از چه معیارهایی باید استفاده کرد؟ تعدادی از علمای برجسته شیعه استفاده از طلا را پیشنهاد کرده‌اند. (۲۰) بدین ترتیب که مبلغ وام را می‌توان بر حسب ارزش روز طلا استعمال نمود و در سررسید نیز ارزش روز همان مقدار طلا را از وام‌گیرنده باز پس گرفت. عده‌ای معتقدند مبلغ وام را می‌توان بر حسب کالای مرضی الطرفین استعمال نمود و در سررسید نیز از ارزش روز همان کالا جهت واریز بدهی استفاده کرد. اینکه

وام‌گیرنده بانک باشد یا فردی فرقی نمی‌کند.

ولی کارشناسان اقتصادی معتقدند که (Indexation) یا استفاده از نوعی شاخص مانند شاخص هزینه زندگی ابزار بهتر و جامع‌الاطراف‌تری جهت اندازه‌گیری ارزش پول در هر زمان است. زیرا که، بهای سبد معینی از کالا و خدمات مصرفی راه که دارای ضرائب اهمیت معینی در بودجه خانوار هستند و مرتباً توسط بانک مرکزی تهیه می‌شود، معیار سنجش قرار می‌دهد. این شاخص معقولتر و موزون‌تر از هر کالای واحد دیگر است و در سطح جهانی نیز کاربرد دارد.

در مورد پول جبران‌کننده نیز نظرات متفاوت است. بعضی از کارشناسان معتقدند که سیستم بانکی دولتی ایران باید مبلغ جبران را با اسکناسهای رایج کشور پرداخت کند، حتی اگر این عمل خود باعث افزایش پول در جامعه شود. این روشی است که در اوایل دهه ۱۹۶۰ با موفقیت در کسره جنوبی بکار برده شد ولی موفقیت آن در ترکیه زیاد نبوده است. عده‌ای دیگر معتقد به پرداخت جبران با طلای مسکوک هستند، که بسیار ضد تورمیست. ولی این روش بسیار گران تمام می‌شود. باید نفت صادر کرد، طلا خرید و سپس جبران کاهش پول مردم را با آن انجام داد. بعضی از کارشناسان حتی تأمین جبران خسارات مردم را با انتقال سهام شرکتی دولتی به آنها پیشنهاد کرده‌اند، که آن هم خالی از اشکال نیست زیرا که بهای سهام شرکتها، حتی شرکتی پذیرفته شده در بورس، دارای نوسانات شدید هستند. آنچه در اینجا پیشنهاد می‌شود آنست که بدین منظور دولت اوراق قرضه منتشر کند و با این اوراق، بدهیهای خود را به سیستم بانکی کشور واریز کند. بانکها نیز از همین اوراق جهت جبران کاهش قدرت خرید سپرده‌های مردم استفاده کنند. این روش کمترین

هزینه اقتصادی را برای کشور در برخواهد داشت.

### نتیجه گیری

کارشناسان اقتصادی دائماً مخالفت خود را با تورم نسبتاً شدید کشور در سالهای اخیر اعلام کرده اند و آن را در چهارچوبه نظام پول کاغذی جهانی، پدیده ای پولی شناخته و کسری بودجه کل کشور را مسبب ایجاد کاهش در ارزش ریال اعلام کرده اند. چون در ایران قاطبه مردم دارای معتقدات مذهبی عمیق هستند، مردم حل مشکل تورم و ربا در تورم و جبران کاهش قدرت خرید سپرده های خود در سیستم بانکی کشور را بر عهده علما و فقهای محترم حوزه علمیه و شورای نگهبان می دانند و چشم بر اقدامات و تفاسیر آنها از پدیده های اقتصادی جدید دوخته اند. البته بین طرز فداران فقه سنتی و فقه پویا وحدت نظر نیست و شکافی عمیق وجود دارد.

آنچه لازم است، توجه بیشتر فقها به موضوعات زنده و روز جامعه است. مردم انتظار دارند که فقها پدیده های جدید اقتصادی را نیز مورد توجه قرار دهند و روشهای فقهی را به نفع مردم به کار اندازند. سپرده گذاران در سیستم بانکی همه جزو طبقات مرفه جامعه نیستند و آنها را ثروتمند نمی توان به حساب آورد. طبق اطلاع، متوسط سپرده های مردم در بانکهای کشور حدود ۱۵۰۰۰۰ تومان است. پیرمرد و پیرزن یازنشته و از کارافتاده ای که این مبلغ را به بانک می سپارد تا کمکی به زندگیش باشد، عملاً جزو طبقه آسیب پذیر این کشور است. قدرت خرید این افراد نباید مورد سوء استفاده قرار گیرد. زمانی تصور سنتی این بود که مرفهین مالی در بانکها سپرده گذار هستند. در حالی که اکنون متوسط سپرده های مردم بسیار اندک است و آن که درآمد بالا دارد آن را به سیستم بانکی کشور نمی سپارد. پس بخاطر تعمیم و تعمیق عدالت اسلامی در کشور باید دیدگاهها و تفاسیر فقهی پویاتر و عقلانی تر شوند.

### پی نوشت ها:

- ۱- در هفتمین سمینار بانکداری اسلامی، که تحت عنوان «حفظ ارزش پول و بررسی نظرات از دیدگاه بانکداری اسلامی» در تاریخ ۱۱ و ۱۲ شهریورماه ۱۳۷۵ در تهران برگزار شد، نظر قریب به اتفاق سخنرانان این بود که، در کوتاه مدت، جبران کاهش قدرت خرید پول در سپرده های بانکی تا حد تورم لازم است. ولی بهترین سیاست همانا حذف تورم از صحنه اقتصاد کشور است.
- ۲- رجوع شود به مجله رهنمون، شماره ۶، پانز ۱۳۷۲، صفحات ۹۰ تا ۹۱.
- ۳- در بخشی از آیه ۲۷۵ از سوره بقره آمده است: ... واصل الله و

### البیح و حرم الربوا.

۴- بحسب حدیث شریف نبوی قاعدة ولا ضرر و لا ضرار فی السلام.

۵- ربا یعنی زیادت یا مازاد. ولی آیا هر مازادی رباست؟

۶- آیت الله غلامرضا رضوانی، عضو محترم شورای نگهبان می فرماید: تورم به عهده بدهکار نیست و بدهکار مدیون همان مبلغی است که قرض گرفته و با قرارداد هم، ولو در ضمن عقد خارج لازم باشد، نمی توان آن را شرعی کرد. رهنمون، ص ۹۰

۷- در حالیکه اولاً، با نرخ جبرانی برابر نرخ تورم بهره واقعی هنوز منفی می باشد. زیرا که هزینه خطری بگیری یا ریسک مربوط به عدم پرداخت بخشی از وامها در نرخ جبران منظور نشده است. و ثانیاً، در اکثر کشورهای مسلمان که بانکداری اسلامی رواج دارد، نرخ سود بانکی افزون بر نرخ تورم رایج در آن کشورها تعیین شده اند.

۸- درهم خسرو دوم ۴/۱۱ گرم و درهم یزدگرد سوم ۳/۹۷ گرم نقره خالص داشت. در صدر اسلام، این مسکوکات ساسانی، همراه با دینار طلای امپراتوری بیزانس، به وزن ۴/۵۵ گرم طلای ۹۸ - ۹۶ در قلمرو حکومت اسلام رواج داشت. عبدالملک از وزن دینار نیز کاست و آنرا برابر ۲/۲۵ گرم طلای ۹۸ - ۹۶ درصد خالص قرار داد و آنرا دینار قانونی اسلام نامگذاری کرد.

۹- بخشی از آیه ۳۳ از سوره توبه: و الذین ینکرون ذهب و الفقهه و لا ینفقونها فی سبیل الله فیرهم بعداب الیه، یعنی این که کسانی که طلا و نقره می اندوزند و آن را در راه خدا بکار نمی برند ایشان را عذاب دردناکی بشارت ده.

۱۰- مثلاً آیت الله محمد حسن مرعشی شوشتری می فرماید: و شارع مقدس نسبت به این تفاوت دستوری نداده و مردم را (وام گیرنده را) مکلف به جبران این تفاوت نکرده است. و این دلیل است بر این که مشارع مقدس، مدیون را مسئول پرداخت این تفاوت ندانسته است. رهنمون، شماره ۶، پانز ۱۳۷۲ ص ۱۰۶.

۱۱- ناگفته نماند که استثنائات فراوانند. آیت الله شهید صدر، به جبران ارزش از دست رفته بحفاظت تورم در قرض و معاملات اشاره دارد و اضافه از ارزش روز طلا را به عنوان جانشین پول کاغذی، به عنوان راه حل ارائه داده است. شهید دکتر بهشتی نیز حفظ ارزش پول سپرده گذاران و وام دهندگان را لازم و جاساز شمرده است. آیت الله محمد موسوی بجنوردی مالیت پول را در قدرت خرید آن می دانند. می فرمایند: پس وام گیرنده باید همان قدرت خریدی را که دریافت کرده است به وام دهنده پس دهد. رهنمون، ص ۱۱۰

۱۲- مانند حساب ذخیره تعهدات ارزی که فقط در سال گذشته یک قلم ۱۸۰۰ میلیارد تومان پول جدید در اختیار دولت قرار داده است. این رقم به اقتصاد کشور تزریق نشده و تورم بیار آورده است. تورم از طریق این حساب هنوزم ادامه دارد.

۱۳- شاخص قیمت کالاها

مصرفی در پایان سال ۱۳۷۴ به ۱۳۷۸/۹ رسید.

۱۴- «من اطف مال غیر فیر لهر ضامن» که قاعده اتلاف است.

۱۵- جهت اطلاع بیشتر به نظریات آیت الله محمد موسوی بجنوردی در مجله رهنمون، شماره ۶ پانز ۱۳۷۲ ص ۱۱۰ مراجعه شود.

۱۶- از بین عقود چهارده گانه فقط نه عقد فعال هستند. از بین این نه عقد نیز «مضارعه» و «مسافات» هنوز به تجربه درآمده اند. و خرید دین نیز به علت اشکالات متعدد می رود که کاملاً منسوخ گردد.

۱۷- نرخ تورم سالیانه ۴۹/۴ درصد اعلام شد. نرخ سود سپرده های یکساله در سیستم بانکی کشور نیز ۱۴ درصد بود. زیان سپرده گذاران از تقاض این دو عدد بدست می آید، که نرخ بهره واقعی نیز نامیده می شود.

۱۸- مثلاً از اهمای فقهی مانند «شرط ضمن عقد» یا «هبة معوضه» و یا «صلح» (به معنای بخشش در برابر بخشش می توان استفاده کرد. برخی روش های فقهی می تواند حتی ربا را قرضی را به ستمی حلال مبدل سازند.

۱۹- شورای محترم نگهبان قبلاً نیز انحصار دولت در تجارت خارجی را، که در قانون اساسی آمده است، از معادین و اضرار به غیر تشخیص داده است. و چون اضرار به غیر شرعاً حرام است، آن را غیرمجاز اعلام کرده و انحصار دولت در تجارت خارجی را به نفع مردم شکسته است.

۲۰- آیت الله شهید صدر به جبران ارزش از دست رفته در تورم در قرض و معاملات توجه داشته اند و استفاده از ارزش روز طلا را به عنوان جانشین پول کاغذی ارائه داده اند.

## قصر مو، اولین مؤسسه ترمیم مو در ایران و خاورمیانه



## به مدیریت: وارطان

که صاحب طولانی ترین، مطلع ترین و یکی از بزرگترین استادان ترمیم مو است

توصیه قصر مو به مراجعین محترم:

قبل از مراجعه حتماً نوع ترمیم را ملائسه کنید، بعد انتخاب

«ضمناً؛ دارای انواع مدل های کلاه کیس»

برای کسب اطلاعات و مشاوره از ساعت ۹ صبح الی ۱۳

و ۳ تا ۶ بعداز ظهر مراجعه فرمائید

آدرس: بلوار کشاورز - خیابان فلسطین شمالی

ساختمان ۵۵ طبقه سوم. تلفن: ۸۹۴۱۳۶